

نقد اندیشه رجالی ارسال روایات بی واسطه حریز از امام صادق (ع)

مصطفی همدانی^۱

چکیده

حریز بن عبدالله سجستانی در سند ۱۳۲۰ روایت حضور دارد و طبق ظاهر جوامع روایی، حدود ۲۰۰ روایت از این تعداد که بیشتر آنها مصدر فتاوی فقهی است را بی واسطه از امام صادق (ع) نقل کرده است. در همین حال کشی و نجاشی از یونس بن عبدالرحمن روایت کرده‌اند که حریز جز یک یا دو روایت از امام صادق (ع) نشنیده است. این گزارش سبب شده است برخی فقیهان نامدار و بسیاری از رجالیان متأخر از ظهور روایات بی واسطه ایشان در نقل مستقیم دست بدارند و حکم به ارسال این روایات کنند. تحقیق فرارو با هدف تبیین وضعیت ارسال یا اتصال در این قطعه از سند روایات یاد شده از روش اسنادی و تحلیل استقرائی بهره برده و نتیجه گرفته است سخن یونس درست نیست؛ زیرا اولاً، سند روایت کشی و نجاشی مخدوش است؛ و ثانیاً، قرائنی در روش حریز در نقل روایات پیش گفته وجود دارد که به وضوح نشان می دهد ایشان دست کم هجده روایت را شخصاً و با روش «سماع» یعنی نقل بی واسطه از امام صادق (ع) متحمل شده است و از این رو حصر موجود در گزارش کشی و نجاشی بی اعتبار می شود و در نتیجه نمی تواند با ظهور روایات بی واسطه در نقل مستقیم معارضه کند.

کلیدواژه‌ها

حریز، یونس، روایت مرسل، روایات بی واسطه حریز از امام صادق (ع)، روش تحمل حدیث.

۱. دانش آموخته خارج فقه و فلسفه حوزه علمیه قم. ma13577ma@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۳۰

۱. طرح مسأله

حدیث دارای جایگاه والایی در استنباط آموزه های دینی است؛ زیرا یکی از ادله اربعه، سنت یعنی قول یا فعل یا تقریر معصوم (ع) است (طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۹-۱۰؛ قمی، ۱۴۳۰ق، ۱: ۴۷) که الفاظ حکایت کننده از آن را «حدیث» می نامند (مامقانی، ۱۳۹۳ش، ۱: ۵۲). از طرف دیگر، هر حدیثی دلیل معتبری نیست و همانطور که در مبانی نظری تحقیق بیان خواهد شد، از جمله احادیث نامعتبر، حدیث مرسل است. اما ضمن پذیرش این اصل اولی، نباید غفلت نمود که حکم فراگیر عدم حجیت در مورد همه روایات مرسل، به معنای کنار نهادن حجم گسترده ای از میراث حدیثی و در نتیجه تحمل خلاءهای علمی فراوانی در مسیر استنباط آموزه های دینی اعم از فقهی و غیر فقهی است و ظاهراً هیچ رجالی و فقیهی تسلیم حکم مطلق به ارسال همه این روایات نشده و بلکه هرگونه تلاش برای ترمیم سند این روایات را فروگذار نکرده اند.

تلاش های صورت گرفته در تصحیح سند روایات مرسل در دو دسته قابل تقسیم بندی است:

۱. دسته ای سعی دارند روایاتی که دارای سند هستند اما به اشتباه مرسل انگاشته شده اند، سندیابی و ترمیم سند شوند؛ مانند تلاش های مرحوم اردبیلی در «جامع الرواة» در تعیین اسناد برخی روایات مرسل از طریق طبقه شناسی (سبحانی، ۱۳۹۴ش، ۱۳۰). و یا تلاش بیشتر اهل رجال و درایة الحدیث جهت تعیین «عده» در تعبیر «عدة من اصحابنا»^۱ در کتاب شریف کافی جهت رفع مشکل ارسال از آن ها (نک به: صاحب معالم، ۱۳۶۲ش، ۱: ۵۴-۵۳؛ نوری، ۱۴۱۷ق، ۳: ۵۱۱-۵۱۰).

۲. دسته دیگر تلاش هایی است که با پذیرش ارسال برخی احادیث، سعی می کنند اثبات کنند مرسل بودن آنها را از اعتبار ساقط نمی کند؛ مانند رأی شیخ طوسی در حکم به اعتبار مراسیل ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و محمد بن ابی نصر (طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۱۵۴) و تبعیت تعدادی از فقیهان و رجالیان از ایشان (نک به: حلی، ۱۴۲۵ق، ۳: ۴۶۱؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ۱: ۴۹؛ سبزواری، ۱۴۲۷ق، ۲: ۵۱۴؛ نراقی، ۱۴۲۲ق، ۳۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۳۰، ۲۳۱؛ قمی، ۱۴۳۰ق، ۲: ۵۱۸)؛ و نیز تصحیح مراسیل صدوق توسط بسیاری از رجالیان ۱. این گونه تعابیر، روایت را مرسل می کند (شهید ثانی، ۱۴۳۲ق، ۱: ۱۹۶؛ مامقانی، ۱۳۹۳ق، ۱: ۲۵۴).

وفقیهان (نک به: عاملی، ۱۴۱۱ق، ۵: ۱۳۳؛ بحرالعلوم، ۱۴۰۵ق، ۳: ۳۰۰؛ شیخ بهایی، ۱۴۲۴ق، ۳۵؛ میرداماد، ۱۳۱۱ق، ۱۷۴؛ بهبهانی، ۱۴۱۹ق، الرسائل الفقهية، ۲۶۱؛ نوری، ۱۴۱۷ق، ۴: ۶).

یکی از روایانی که مجموعه ای قابل توجه از روایات او با مشکل ارسال مواجه شده است، حریز بن عبدالله سجستانی است. او از روایان پرحديث شیعه است که در سندی انبوهی از روایات (حدود هزار روایت) حضور دارد؛ و از طرف دیگر تعداد زیادی از این روایات (حدود دویست روایت) را بی واسطه روایان دیگر از امام صادق (ع) نقل کرده است. دو تن از پیشوایان دانش رجال یعنی مرحوم کشی و جناب نجاشی نوشته اند ایشان جز یک یا دو روایت از امام صادق (ع) ننشیده است و معلوم هم نکرده اند آن دو روایت کدام است. نتیجه این گزارش رجالی این است که همه روایات بی واسطه وی از امام صادق (ع) محکوم به ارسال شده و از اعتبار ساقط می شوند؛ زیرا همانطور که گفته خواهد شد حدیث مرسل فاقد اعتبار است و از طرف دیگر، هیچ کدام از رجالیان نیز مرسلات او را چون صفوان و بنی ابی عمیر در حکم مسند ندانسته اند و تنها مرحوم میرداماد سعی کرده است راهی را در پیش گیرد که اثبات خواهد کند حریز دارای این ظرفیت یعنی هم طرازی با امثال صفوان و ابن ابی عمیر را دارد و البته در پژوهش فرارو این تلاش نقل و نقد خواهد شد. در هر صورت، این نتیجه رایج، خسارت بزرگی برای علم حدیث و دانش های تغذیه کننده از آن خصوصاً علم فقه است؛ زیرا بسیاری از روایات یادشده فقهی هستند. برخی از رجالیان سعی کرده اند گزارش کشی و نجاشی را نقادی کنند و بسیاری نیز آن را قبول کرده اند؛ همانطور که برخی فقیهان نیز به لوازم این پذیرش گزارش یعنی ارسال و در نتیجه بی اعتبار بودن روایات مذکور ملتزم گشته اند.

پژوهش فرارو با هدف بررسی وضعیت این قطعه خاص از سند روایات بی واسطه حریز از امام صادق (ع) یعنی از حریز به امام (ع) سامان یافته و سوال آن چنین است: آیا روایات بی واسطه حریز از امام صادق (ع)، به جهت فقدان واسطه مرسل هستند؟ از آنجا که حکم به ارسال این روایات ناشی از گزارش کشی و (به تبع وی نجاشی) از یونس است، سوال مذکور به این شکل بازآفرینی می شود: آیا گزارش کشی و نجاشی از یونس که حریز جز یک یا دو

روایت از امام صادق (ع) نشنیده درست است؟ بسامد بالای روایات بی واسطهٔ حریز از امام صادق (ع) در جوامع روایی موجود، این حدس خام اولیه را به عنوان فرضیهٔ تحقیق تقویت می کند که: گزارش یونس درست نیست. پژوهش فرارو ضمن نقل و نقد تلاش های فقیهان و رجالیان در تایید یا رد گزارش کشی و نجاشی، این فرضیه را با فحص کامل در روش حریز در تحمل احادیث بی واسطه از امام صادق (ع) به بوتۀ بحث نشانده است.

به جهت تناسب روش با هدف و پرسش تحقیق، پژوهش فرارو از تلفیق روش استقرائی به معنای سیر از جزئی به سوی کلی به منظور کشف قانون کلی (ابن سینا، ۱۴۰۴ق، ۲: ۵۵۷-۵۵۸؛ دلاور، ۱۳۹۲ش، ۳۴) و روش اسنادی که مبتنی بر مطالعه کتب و اسناد و نرم افزارهای حاوی متون علمی است (حافظ نیا، ۱۳۸۶ش، ۱۶۴-۱۷۲) استفاده کرده و استخراج «گونه های نقل» روایات بی واسطه از امام صادق (ع) توسط حریز به عنوان جزئیات، را مورد توجه قرار داده تا «روش تحمل» وی که پاسخگوی پرسش تحقیق است، کشف شود.

طبق تتبع نگارنده تا کنون پژوهش ویژه ای دربارهٔ مشکل ارسال روایات بی واسطهٔ حریز از امام صادق (ع)، انجام نگرفته است جز پژوهش های کوتاه فقیهان و رجالیان پیشین که سعی کرده اند سخن مرحوم کشی و جناب نجاشی را رد یا تایید کنند و نیز دو مقاله در نوشتارهای معاصران که هیچ کدام به شکل مستقل و مستقیم در پی پاسخ به این پرسش نبوده اند بلکه هر دو در ضمن مباحث خود دربارهٔ حریز به صورت کوتاه به این بحث هم اشاره و یکی ارسال را قبول و دیگری رد کرده است (نک به: رحمتی، ۱۳۹۳ش؛ بیات مختاری، ۱۳۹۰ش، ۷۳-۷۱). ادلهٔ ایشان در رد و تایید ارسال را در بحث اختصاصی نقد اندیشه های موافق و مخالف بر می رسیم.

۲. مبانی نظری تحقیق

این پژوهش بر دو مبنای نظری مهم مبتنی است:

أ. عدم حجّیت روایات مرسل: روایت یا حدیث عبارت است از سخن یا رفتار یا تقریر معصوم (شیخ بهایی، ۱۳۹۰ش، ۴؛ مامقانی، ۱۳۹۳ش، ۱: ۵۳).

روایت را در تقسیمی به مسند و مرسل تقسیم می‌کنند. روایت مرسل عبارت است از حدیثی که فردی معصوم ندیده بدون واسطه (با حذف یک یا چند واسطه) از معصوم نقل کند (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ۱: ۴۸) و به بیان ساده تر، در سلسله روایان آن انقطاعی رخ داده باشد (شیخ بهایی، ۱۳۹۰ش، ۴؛ مامقانی، ۱۳۹۳ش، ۱: ۲۵۴) از نظر اصولیان و دانشیان فقه و درایة الحدیث، حدیث مرسل حجیت نیست (حلی، ۱۴۲۵ق، ۳: ۴۶۱؛ قمی، ۱۴۳۰ق، ۲: ۵۱۸؛ انصاری، ۱۴۱۶ق، ۲: ۸۰۲؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ۱: ۴۹؛ شهید ثانی، ۱۴۰۲ق، ۱: ۳۷۲؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، مجمع الفائدة و البرهان، ۱: ۱۲۷، ۱۴۴؛ ۳: ۱۳۹؛ مامقانی، ۱۳۹۳ش، ۱: ۲۵۸).

ب. امکان تحمل حدیث از معصوم (ع): بحث از روش‌های تحمل حدیث شاگرد از استاد، بخش قابل توجهی از متون دانش درایة الحدیث را به خود اختصاص داده و عبارت است از شیوه‌های انتقال حدیث در سلسله روایان از یکی به دیگری و به تعبیر دانشیان درایة الحدیث از شیخ به شاگرد که در این علم از انواع آن مانند: سماع، عرض، اجازه، مناوله و ... بحث می‌کنند (نک به: شهید ثانی، ۱۴۳۲ق، ۱: ۲۵۹ - ۲۳۳؛ مامقانی، ۱۳۹۳ش، ۲: ۲۵۴ - ۱۸۲؛ سنکی، ۱۴۲۲ق، ۱: ۳۵۹؛ ابن الصلاح، ۱۴۰۶ق، ۱۸۰ - ۱۳۲).

امکان تحمل حدیث توسط راوی از معصوم (ع)، رویکرد نوین و مورد توجه این نوشتار است که طبق تتبع نگارنده، جز اشاره ای کوتاه در یک مورد، تا کنون بحثی در تبیین و تحلیل این الگو در علوم رجال، فقه و درایة الحدیث صورت نگرفته است و گویا تحلیل این مقوله، کارکردی در فرایندها و برایندهای پژوهشی پیشینان نداشته و لذا تحمل حدیث و گونه‌های آن بر محور دریافت حدیث توسط «شاگرد» از «شیخ» شکل گرفته است نه «راوی» از «معصوم» (نک به: شهید ثانی، ۱۴۳۲ق، ۱: ۲۳۴؛ مامقانی، ۱۳۹۳ش، ۲: ۱۸۲ و ۱۹۲؛ ابن الصلاح، ۱۴۰۶ق، ۱۳۲). ظاهراً روش تحمل حدیث از معصوم (ع)، از اغلب یا همه گونه‌های موجود در روش تحمل حدیث شاگرد از شیخ استفاده می‌کند.^۱

۱. محقق کتاب «مقباس الهدایة» (نوه مرحوم مامقانی) معتقد است اغلب یا همه گونه‌های تحمل حدیث از روایان، شامل تحمل حدیث از معصوم نیز هست (مامقانی، ۱۳۹۳ش، ۲: ۱۸۲).

۳. معرفی حرز بن عبدالله سجستانی

حرز با «حاء» مفتوحه (حلی، ۱۴۱۱ق، ۱۶۵) نام مختصر یکی از اصحاب مشهور امام صادق (ع) یعنی حرز بن عبد الله سجستانی ملقب به أبو محمد الأزدي از اهالی کوفه است که به جهت سفرهای تجاری زیاد در خرید و فروش روغن به سجستان^۱، به سجستانی معروف شده است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۴۴). او و اصحابش همگی به جهت درگیری با خوارج در مسجدی در سجستان کشته شدند (مفید، ۱۴۱۳ق، ۲۰۷). حرز تالیفات روایی زیادی دارد و مرحوم شیخ، آثار روایی او را همگی از «اصول» شمرده (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۱۶۲) و جناب میرداماد تصریح کرده است مقصود شیخ از تعبیر «اصول» در مورد حرز، همان داخل بودن آثار ایشان در «اصول اربعه» است (میرداماد، ۱۳۱۱ق، ۹۹). این اصول چهارصدگانه، جایگاه والایی دارند و همواره مورد اعتماد اصحاب بوده اند.^۲ همچنین طبق برخی روایات، «کتاب الصلوة» حرز نه فقط اعتماد همه عالمان و محدثان شیعی متقدم را جلب کرده (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱: ۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۲۳) بلکه پیش از آنان در زمان اصحاب امام صادق (ع) نیز مرجع استفاده شیعیان بوده (نک به: کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۳۱۱) و ظاهراً امام صادق (ع) نیز عمل به آن را امضا فرموده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۳۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱: ۱۴).

شیخ طوسی حرز را مورد وثوق می‌داند (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۱۶۲)؛ اما در کتاب های کشی و نجاشی توثیق صریحی در مورد ایشان وجود ندارد؛ بلکه آنان جریان حجب (راه ندادن حرز به ملاقات خود توسط امام صادق (ع)) که ضمناً بر تضعیف او دلالت دارد را روایت کرده‌اند (کشی، ۱۳۶۲ش، ۲: ۶۸۰؛

۱. نام «سیستان» در اصل «سگستان» بوده است و لذا [به علت فقدان گاف] در زبان عربی سجستان نوشته می‌شود (ابن بلخی، ۱۳۷۳ش، ۱۸۴). سگستان نیز ریشه در سکستان دارد که در فارسی میانه «کاف» آن به «گاف» تغییر کرده است. در زمان پارتیان، قومی نیرومند و دلیر به نام «سکاها» در این اقلیم زندگی کرده‌اند و به همین جهت آن را سکستان نام نهاده‌اند (کلیفورد ادموند، ۱۳۷۰ش، ۱۱۴).

۲. برخی معتقدند روایات مورد اعتماد و صحیح، منحصر در این اصول است (شهید ثانی، ۱۴۲۴ق، ۱: ۱۶۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ۱۰). این اصول، مورد اعتماد و استفاده همه اصحاب در طول چندین قرن تا زمان مولفان کتب اربعه بوده (نک به: صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱: ۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۳۰: ۱۹۹) و بسیاری از آنها تا زمان ابن ادریس نیز در دسترس و مورد استفاده بوده‌اند (نک به: ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ۳: ۵۸۹) اما به علت رواج کتب اربعه به تدریج منسوخ شده‌اند.

نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۱۴۵) اما بسیاری از رجالیان معتقدند این جریان دلیل بر طعن و ضعف حریز نیست (نک به: علامه حلی، ۱۳۸۱ ش، ۶۳؛ مازندرانی، ۱۴۱۶ ق، ۲: ۳۵۰-۳۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۶ ق، ۱۴: ۸۸؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ ق، جامع الرواة، ۱: ۱۸۷؛ صدرالمتالهین شیرازی، ۱۳۸۳ ش، ۲: ۱۶۶؛ نراقی، ۱۴۲۲ ق، ۱۷۲؛ نوری، ۱۴۱۷ ق، ۴: ۲۳۵؛ مامقانی، ۱۴۲۷ ق، ۱۸: ۲۰۶) بلکه حریز از بزرگان اصحاب است تا آنجا که مرحوم مجلسی اول معتقد است همه امامیه روایات او را صحیح دانسته اند (مجلسی، ۱۴۰۶ ق، ۱۴: ۸۸).^۱

در مجموع، ۱۳۲۰ حدیث از حریز در جوامع روایی شیعه ثبت شده (خویی، ۱۳۷۳ ش، ۵: ۲۳۴-۲۳۵) و ایشان ۲۱۵ روایت از این مجموعه را بی واسطه از امام صادق (ع) نقل کرده است (خویی، ۱۳۷۳ ش، ۵: ۲۳۲)^۲ که این تعداد روایت بی واسطه، موضوع گزارش کشی و به تبع وی نجاشی است که در بحث بعد ارائه خواهد شد.

۴. گزارش کشی و نجاشی درباره روایات خریز از امام صادق (ع)

مرحوم کشی با سند متصل از یونس بن عبدالرحمن روایت کرده است که حریز جز یک یا دو روایت از امام صادق (ع) نشنیده است: «مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نُصَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ قَالَ: لَمْ يَسْمَعْ حَرِيزُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ إِلَّا حَدِيثًا أَوْ حَدِيثَيْنِ» (کشی، ۱۳۶۳ ش، ۲: ۶۸۰). نجاشی نیز این مطلب را به یونس نسبت داده است بدون اینکه سندی برای این انتساب ارائه کند (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۱۴۴). ظاهراً مستند نجاشی نیز همان روایت کشی است (استرآبادی، ۱۴۲۲ ق، ۳: ۳۴۹).

۱. از نظر نگارنده نیز در مسئله‌ی حجب، حق با ایشان است؛ زیرا «حجب» فی نفسه عامل جرح نیست و هیچ دلالت ذاتی بر جرح راوی ندارد مگر اینکه راه ندادن به جهت فسق راوی باشد و اینجا به علت اینکه ائمه (ع) در موارد عدیده برای حفظ جان اصحاب یا حفظ موقعیت امامت و پاسداری از کیان شیعه آنها را از خود طرد کرده‌اند، این عدم دلالت تقویت می‌شود. خصوصاً اینکه جریان قتل خوارج سیستان توسط نیروهای تحت امر حریز در زمان امام صادق (ع) رخ داده و در نتیجه گمانه‌زنی‌های یادشده تقویت می‌شوند.

۲. گرچه مقاله حاضر، نیازی به تعیین دقیق این عدد ندارد؛ اما شمارش مرحوم خویی باید مورد بازبینی قرار گیرد؛ زیرا ایشان درست در چند صفحه بعد، تعداد روایات بی واسطه خریز از امام صادق (ع) را ۱۹۰ مورد ذکر کرده است! (خویی، ۱۳۷۳ ش، ۵: ۲۳۵).

۵. پیامدهای گزارش کشی و نجاشی

طبق گزارش این دو کتاب اصلی علم رجال، اولاً، همه روایات بی واسطه حریز از امام صادق (ع) که در اواخر بحث قبل از آنها یاد شد، محکوم به ارسال شده و در طبق بیانی که در حکم حدیث مرسل در مقدمه گفته شد بی اعتبار خواهند شد؛ و ثانیاً، حریز نیز متهم به ارسال خفی خواهد شد. ارسال خفی به عنوان نوعی تدلیس عبارت است از روایت کردن از کسی هم عصر^۱ با عنوان «عن فلان» و یا «قال فلان» که إشعار به در دیدار با آن شخص و شنیدن از وی دارد در حالی که راوی واقعاً حدیث را از ایشان نشنیده باشد بلکه از دیگری شنیده که آن دیگری از این شخص مروی عنه شنیده است (حسین بن عبدالصمد، ۱۴۳۲ق، ۱: ۴۱۴؛ مامقانی، ۱۳۹۳ش، ۱: ۲۷۴ و ۲۸۱؛ سنکی، ۱۴۲۲ق، ۲: ۲۸؛ صنعانی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۳۱۸). به علاوه دو روایت وجود دارد که مجموعاً از این روش نقل سخن نهی نموده‌اند. روایت اول امر به إسناد سخن به همان فردی که سخن از او شنیده شده می‌کند و روایت دوم، حذف واسطه در نقل سخن شنیده شده و انتساب مستقیم آن به گوینده اصلی را به صراحت دروغ معرفی فرموده است. روایت دوم از این دو حدیث، مرفوعه است، اما روایت اول دارای سند مقبولی است و لذا مضمون روایت دوم با سند روایت اول قابل تقویت است:

أ: «عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۵۲).
 ب: «عَنْ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِيَّاكُمْ وَ الْكَذِبَ الْمُفْتَرَعُ قِيلَ لَهُ وَ مَا الْكَذِبُ الْمُفْتَرَعُ قَالَ أَنْ يُحَدِّثَكَ الرَّجُلُ بِالْحَدِيثِ فَتَرَكَهُ وَ تَرَوِيهِ عَنِ الَّذِي حَدَّثَكَ عَنْهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۵۲).

۶. تبیین و نقد اندیشه های موافق و مخالف ارسال روایات بی واسطه حریز از امام صادق (ع)

فقیهان و رجالیان متأخر و برخی محققان معاصر در برابر این گزارش کشی و

۱. اگر کسی از غیر از هم عصر خود روایت کند، نقل او را «مرسل» [به معنای متعارف نه ارسال خفی] می‌نامند و هیچ عالمی آن را تدلیس ننمیده است (سخاوی، ۱۴۲۴ق، ۱: ۲۲۶).

نجاشی سه گونه نظر داده اند: برخی سکوت نموده و ظاهراً تسلیم این روایت شده‌اند و لذا روایات یادشده را غیر معتبر دانسته اند؛ برخی سخن کشی و نجاشی را نقادانه رد کرده‌اند؛ و بالاخره مرحوم میرداماد راهی میانه در پیش گرفته و روایت کشی را قبول کرده اما سعی کرده است مشکل ارسال در این روایات را حل کند تا این روایات را از حکم ارسال که ضعف و بی اعتباری باشد نجات دهد. در ادامه این سه رویکرد را مطالعه و ارزیابی می‌کنیم:

۶-۱. دیدگاه موافقان ارسال روایات حرّیز و عدم حجیت آنها

برخی فقیهان بزرگ و بسیاری از رجالیان نظریه ارسال این روایات را باور دارند. محقق بهبهانی از افرادی است که در مباحث فقهی خود در این مسئله متامل شده و به نظر کشی و نجاشی اعتنا کرده است (بهبهانی، ۱۴۱۹ق، الحاشیه علی مدارك الأحكام، ۱: ۴۶؛ بهبهانی، ۱۴۲۴ق، ۵: ۲۷۶). گرچه ایشان در تعلیق رجالی خود که در مباحث بعد بیان خواهد شد، ارسال روایات حرّیز را رد کرده است. صاحب جواهر نیز گاهی پس از نقل سخن کشی و نجاشی درباره روایات بی واسطه حرّیز از امام صادق (ع)، سکوتی خاص پیشه کرده که حاکی از پذیرش سخن کشی و نجاشی است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۹: ۴۵) و گاهی هم به شکل ضمنی این اشکال را قبول کرده است؛ زیرا ضمن استناد به سخن کشی و نجاشی درباره روایات بی واسطه حرّیز از امام صادق (ع) سعی نموده است ضعف سند آن‌ها را جبران کند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۴: ۱۸۳).

در بین رجالیان، افراد متعددی نظر کشی را نقل و درباره آن سکوت نموده و ظاهراً آن را تلقی به قبول کرده‌اند (نک: ابن داوود، ۱۳۸۳ش، ۴۳۸؛ علامه حلی، ۱۳۸۱ش، ۶۳؛ نراقی، ۱۴۲۲ق، ۱۷۳؛ تفرشی، ۱۴۱۸ق، ۱: ۴۱۰). مرحوم اردبیلی نیز در این مسئله نقدی بر رای کشی و نجاشی وارد نکرده و بلکه به پذیرش گزارش ایشان مایل شده است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، جامع الرواة، ۱: ۱۸۷). مرحوم میرداماد نیز در تعلیق شریف خود بر اصول کافی، سخن کشی را نقل کرده اما نقدی بر آن وارد ننموده است (میرداماد، ۱۴۰۳ق، ۳۶۸). گرچه در «الرواشح السماویّة» از حجیت روایات بی واسطه حرّیز به عنوان مرسلات معتبر دفاع کرده است که

در مباحث بعد دفاعیه ایشان ارائه و نقد خواهد شد؛ اما در هر دو صورت ایشان گزارش کشی را قبول کرده است.

مرحوم شوشتری نیز در همین گروه یعنی رجالیان موافق با ارسال می‌گنجد با این تفاوت که ایشان بیش از ده روایت از روایات بی واسطه حریز از امام صادق (ع) را جمع آوری کرده تا به زعم خود سند همه روایات بی واسطه وی را مطالعه کند؛ سپس در ادامه برای توجیه گزارش کشی و نجاشی، تردید کرده است حریز این تعداد را همگی از امام صادق (ع) شنیده باشد و با توجیهاتی احتمال داده است حریز تنها دو سه روایت از این موارد که تقریباً همان ادعای یونس است را بی واسطه از امام صادق (ع) شنیده باشد (شوشتری، ۱۴۳۱ق، ۳: ۱۶۷-۱۶۴). ایشان گویا به جهت چاپ نشدن معجم رجال الحدیث در زمان تحقیق کتاب قاموس الرجال، تحقیقات مرحوم خویی که صدها روایت بی واسطه حریز از امام صادق (ع) را جمع آوری کرده، ندیده است که به این موارد محدود نموده؛ اما جای شگفتی دارد که چرا «جامع الرواة» را ملاحظه نفرموده است که در آنجا هم تعداد بسیار زیادی از روایات بی واسطه حریز از امام صادق (ع) را معرفی و ارجاع داده است.

آقای محمدکاظم رحمتی از محققان معاصر نیز در مقاله ای درباره احوال حریز که در دانشنامه جهان اسلام منتشر شده است، ایشان پس از نقل گزارش کشی و نجاشی نوشته است: «این مطلب با توجه به اقامت حریز در کوفه و اقامت امام صادق (ع) در مدینه، پذیرفتنی است» (رحمتی، ۱۳۹۳).

نقد و بررسی

این اندیشه درست نیست؛ زیرا این اندیشه سخن کشی و نجاشی در اینکه حریز جز دو روایت بی واسطه از امام صادق (ع) شنیده است را تایید می‌کند و می‌پذیرد در صورتی که در مبحث «نظریه مختار در نقد گزارش کشی و نجاشی» قرائن یقین زایی ارائه خواهد شد که به صراحت نشان می‌دهد بسیاری از روایات حریز که برچسب مرسل خورده اند مرسل نیستند و در نتیجه اثبات می‌شود گزارش کشی و نجاشی از یونس، مسند بودن تنها دو روایت بی واسطه حریز از امام صادق (ع) معتبر نیست.

استدلال آقای رحمتی نیز صحیح نیست؛ زیرا درست است شهادت تاریخ بر عدم معاصرت راوی و مروی عنه و یا عدم دیدار یکدیگر با وجود هم عصری، از شواهد ارسال روایت این راوی از آن شخص است (شهید ثانی، ۴۳۲ق، ۱: ۱۹۸)، اما اشکال سخن ایشان در این است که اگر حریز با امام صادق (ع) آمد و شد نداشته است، پس «راه ندادن حریز به دیدار خود توسط امام صادق (ع)» که به جریان «حجب» معروف است (کشی، ۱۳۶۲ش، ۲: ۶۸۰؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۴۵) چه معنایی دارد؟! به علاوه در مبحث «نظریه مختار در نقد گزارش کشی و نجاشی» اثبات خواهد شد که حریز دست کم هجده روایت را بی واسطه از امام صادق (ع) شنیده است و این خود دلالت بر دیدارهای متعدد ایشان با امام دارد.

۶-۲. اندیشه مخالفان ارسال و عدم ححیت

مرحوم مجلسی اول، محدث نوری، محقق خویی، و.... از قائلان به رویکرد هستند. ایشان معتقدند چگونه ممکن است این همه روایت در کتب اربعه توسط حریز از امام صادق (ع) نقل شده باشد اما همگی نیز مرسل باشند؟! (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱۴: ۱۷۳؛ محدث نوری، ۱۴۱۷ق، ۴: ۴۳۰؛ مازندرانی، ۱۴۱۶ق، ۲: ۳۵۰؛ استرآبادی، ۱۴۲۲ق، ۳: ۳۴۹؛ بهبهانی، ۱۴۲۲ق، ۳: ۳۴۴؛ مامقانی، ۱۴۲۷ق، ۱۸: ۲۱۸ - ۲۱۷؛ خویی، ۱۳۷۳ش، ۵: ۲۳۲؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ۲: ۳۲۷ و ۳۲۶؛ سبجانی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۱۱۹) برخی محققان معاصر نیز همین استدلال را از مرحوم خویی نقل کرده و پذیرفته است (نک به: بیات مختاری، ۱۳۹۰ش، ۷۳ - ۷۱).

نقد و بررسی

استبعاد مرحوم مجلسی و محقق خویی و اتباع ایشان به صرف بسامد بالای نقل روایت بی واسطه حریز از امام صادق (ع) نمی تواند پاسخ نهایی به پرسش این تحقیق باشد؛ زیرا همانطور که در پایان مقدمه گفته شد، این فراوانی تنها در حد یک حدس خام که «فرضیه» باشد پاسخ ساز است و دلالت این کثرت بر فرضیه مذکور نیز به سه دلیل، منطقی و روشمند نیست:

أ. عموم فقیهان جز کسانی اندک که قائل به لزوم اجتهاد در علم رجال هستند^۱، سخنان کشی و نجاشی را مبنای نقد سند روایات کتب اربعه قرار می‌دهند نه اینکه وضعیت اسناد کتب اربعه را معیار اعتبارسنجی گزارش‌های کشی و نجاشی بدانند؛ لذا کثرت روایات بی واسطه ایشان فی نفسه دلیل محکمی نیست. به همین جهت رجالی محقق و نقادی چون مرحوم اردبیلی که خود فراوانی روایات حریز از امام صادق (ع) را به جهت بررسی طبقه ایشان استقصا کرده است، گرچه سخن کشی و نجاشی را با این فراوانی در تنافی می‌بیند اما در آخر نیز تصریح می‌کند نمی‌توان از سخن کشی و نجاشی دست برداشت (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، جامع الرواة، ۱: ۱۸۷).

ب. تعبیر «روی فلان عن فلان» با تعبیر «فلان عن فلان» فرق دارد و دومی ظاهر در نقل بی واسطه است اما در اولی ممکن است واسطه وجود داشته باشد و لذا شیخ طوسی در تهذیب در باب احکام جماعت نوشته است «روی احمد بن محمد بن عیسی عن عبدالله بن المغیره» با اینکه کشی و نجاشی گفته اند احمد بن محمد بن عیسی هیچ روایتی از عبدالله بن مغیره ندارد (شوشتری، ۱۴۳۱ق، ۱: ۱۴)؛ و طبق استقرای انجام شده در این تحقیق در وسائل الشیعه، حدود یکصد روایت از روایات بی واسطه حریز از امام صادق (ع) از نوع دوم است یعنی: عن حریز عن ابی عبدالله (ع).

ج. این دلیل را مرحوم علامه شعرانی در پاورقی «جامع الرواة» نوشته است که با شرح و تبیین بیشتر ارائه می‌شود: صرف نقل روایت بدون واسطه از امام صادق (ع)، ظاهر در این است که واسطه ای در میان نیست؛ [خصوصاً با توجه به وثاقت حریز و نیز دروغ بودن حذف واسطه که در مباحث قبل به آن اشاره شد]؛ اما گزارش کشی و نجاشی از یونس، صریح در مدعا است (شعرانی،

۱. بیشتر فقیهان در مباحث اجتهاد و تقلید از علم اصول یا در مباحث مرتبط در فقه، معتقدند مراجعه به کتب رجال برای تشخیص احوال راویان کافی است (نک به: علامه حلی، ۱۴۲۵ق، ۵: ۱۷۰؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ۱: ۴۳؛ قمی، ۱۴۳۰ق، ۴: ۴۷۸؛ خمینی، ۱۴۲۶ق، ۱۲) اما برخی چون مرحوم آیت الله بروجردی معتقد بوده‌اند که انسداد در علم رجال وجود ندارد و باید از طبقه راوی و احوال شاگرد و استاد و مضامین روایات نقل شده توسط وی جستجو کرد تا احوال او و نیز میزان دقت و ضبط او را کشف نمود (بحرانی، ۱۴۲۹ق، ۱۷۹ و ۸۷). صاحب معالم نیز معتقد به لزوم فحص فقیه از قرائن حالیه و مقالیه جهت تبیین عدالت راویان است (حسن بن زین الدین، ۱۳۶۲ش، ۱: ۲۱).

۱۴۰۳ق، ۱: ۱۸۷)^۱. در نتیجه سخن یونس مقدم شود؛ زیرا تقدم نص بر ظاهر از قواعد عرفی محاوره است که علم اصول به آن تصریح شده است (انصاری، ۱۴۱۶ق، ۲: ۷۸۸؛ خراسانی، ۱۴۰۹ق، ۴۳۸؛ خمینی، ۱۴۲۳ق، ۱: ۱۶۵).

۳-۶. دیدگاه میرداماد درباره ارسال و حجیت روایات حریز

مرحوم میرداماد، از طرفی ارسال روایات ایشان را پذیرفته است و از طرفی سعی کرده است از اصل اولی عدم حجیت در روایات مرسل عبور کند و حجیت روایات مرسل انگاشته حریز را تصحیح کند. ایشان یک راشحه کامل از کتاب شریف «الرواشح السماویة» را به تحلیل طبقه بندی اصحاب امام صادق (ع) در رجال شیخ طوسی اختصاص داده و اصحاب ایشان را سه دسته نموده است: گروهی را اصحاب روایت از طریق سند نامیده که بسا اصلاً امام را ندیده اند اما از اصحاب مورد وثوق وی نقل حدیث کرده اند و شیخ هم ایشان را از اصحاب امام دانسته است؛ و گروهی را اصحاب روایت از طریق سماع نامیده؛ و گروهی را اصحاب دیدار دانسته است که هیچ روایتی را از امام (ع) نقل نکرده اند. ایشان حریز را از قسم اول قرار داده و بدین سان روایات بی واسطه او از امام صادق (ع) را غیر مرسل دانسته است (میرداماد، ۱۳۱۱ش، ۶۵-۶۴). این تلاش از قسم دوم از گونه های رفع مشکل ارسال روایات مرسل که در مقدمه گفته شد دسته بندی می شود؛ یعنی ارسال را در آنها قبول کرده و تلاش می کند اثبات کند ایشان از افراد موثق روایت کرده است.

نقد و بررسی

این راهکار مبتنی بر تقسیمی غیر معهود از اصحاب امام صادق (ع) است و تقسیم یادشده که حریز را جزء اصحابی که امام را ندیده اند و با واسطه اصحاب از او روایت کرده اند، دارای سه اشکال است:

أ. کاربست های رجالی این تقسیم است که دارای منطق قوی نیست؛ زیرا این رهیافت ظنی است و اگرچه ظنون متعارف رجالی حجت هستند اما این

۱. عبارت مرحوم علامه شعرانی چنین است: روایة حریز عن ابی عبدالله (ع) ظاهر فی عدم الواسطه و مقتضی حمل الظاهر علی النص ان یونس ما کان یعتقد عدم الواسطه.

ظن با ظنون قوی تر معارضه دارد. توضیح این ظن اقوی و وجه قوت آن نیازمند دو مقدمه است:

مقدمه اول: طبق استقرای انجام شده در این تحقیق در وسائل الشیعه، حدود یکصد و بیست روایت از روایات بی واسطه حریز از امام صادق (ع) با تعبیری چون «عن ابی عبدالله (ع) و «قال ابو عبدالله (ع)» نقل شده است و این روش‌های نقل حدیث که طبق متفاهم عرفی - عقلانی^۱ ظهور در تحمل بی واسطه دارند، با وجود واسطه ناسازگارند.

مقدمه دوم: طبق استقصای محقق خویی، حریز ۴۹ روایت از روایات بی واسطه خود از امام صادق (ع) را به واسطه ابوبصیر و ۴۴۸ روایت را به واسطه زراره و ۳۳۲ حدیث را به واسطه محمد بن مسلم و ۹۳ حدیث را به واسطه فضیل نقل کرده است؛ یعنی ایشان مجموعاً ۹۲۲ روایت از کل روایات خود که ۱۳۲۰ روایت بودند را با واسطه این افراد از امام (ع) نقل کرده است. از طرف دیگر، می دانیم که این افراد همگی از بزرگان و سرشناسان شیعه هستند.

این مقدمه یعنی مقدمه دوم، ظهور یادشده در مقدمه اول مبنی بر عدم ارسال روایات بی واسطه حریز از امام صادق (ع) را تقویت می کند؛ زیرا اگر طبق ادعای مرحوم میرداماد، حریز بنا داشته است به جهت اعتماد خود به اصحاب مورد وثوق، نام آن‌ها را حذف کند و خود آن حدیث را مستقیماً به امام نسبت دهد، چرا در مورد این بزرگان چنین نکرده و در این حد گسترده - که نقل با وساطت اینان حدود هفتاد درصد از کل روایات او را دربرگرفته - مقید بوده است نام آن‌ها را ذکر کند؟! به نظر می‌رسد این وضعیت را تنها می‌توان با اصرار حریز بر نقل دقیق سند و تبعیت از دستور خود امام صادق (ع) بلکه امام علی (ع) در انتساب دقیق سخن به گوینده آن که در بحث «پیامدهای گزارش کشی و نجاشی» بیان شد، ارزیابی کرد.

۱. اهل ذرایه الحدیث نیز به ظهور این صیغه‌های نقل حدیث در سماع بی واسطه تصریح کرده‌اند (نک به: حسین بن عبدالصمد، ۱۴۳۲ق، ۱: ۴۱۴؛ مامقانی، ۱۳۹۳ق، ۱: ۲۷۴ و ۲۸۱؛ شوشتری، ۱۴۳۱ق، ۱: ۱۴). تنها در یک صورت باید از این ظهور متعارف و متبادر دست برداشت و آن این است که اثبات شود ملاقات راوی و مروی عنه تحقق نیافته است (سیفی مازندرانی، ۱۴۳۱ق، ۸۰) که در نقد ادعای آقای رحمتی در بحث «نقد اندیشه موافقان ارسال و عدم حجیت» اثبات شد این ملاقات قطعاً رخ داده و ظاهراً نه یکبار بلکه بارها اتفاق افتاده است.

ب. همانطور که در نقد ادعای آقای رحمتی در بحث «نقد اندیشه موافقان ارسال و عدم حجیت» نیز گفته شد، حریز قطعاً امام صادق (ع) را کراراً ملاقات کرده است.

ج. در مبحث «نظریه مختار در نقد گزارش کشی و نجاشی» اثبات خواهد شد حریز روایات بی واسطه متعددی را از امام (ع) نقل کرده است.

۷. نظریه مختار در نقد گزارش کشی و نجاشی

نقد و بررسی سخن کشی (که نظر نجاشی نیز ریشه در همان دارد) دارای سه محور است: نقد سندی روایت کشی؛ نقد مضمونی روایت کشی از طریق تحلیل استقرائی گونه‌های تحمل حدیث بی واسطه از امام صادق (ع) توسط حریز که به منظور اثبات وجود موارد نقل بی واسطه حریز بیش از دو مورد مورد ادعای یونس انجام می‌شود؛ بازگشت به روایت کشی و توجیه آن با وجود اعتقاد به عدم ارسال روایات یادشده.

در ادامه به این سه مبحث خواهیم پرداخت:

۷-۱. نقد سندی روایت کشی

وضعیت افراد موجود در این سند به شرح زیر بررسی می‌شود:

أ. محمد بن مسعود: ایشان، أبي النضر محمد بن مسعود بن عیّاش السلمي السمرقندي معروف به عیاشی است که موثق و صدوق و از بزرگان شیعه است (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۳۵۰).

ب. محمد بن نصیر: وی از اهالی کش و ثقه و جلیل القدر است که استاد کشی نیز بوده است (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ ش، ۴۴۰).

ج. محمد بن عیسی: ایشان از نظر نجاشی از افراد موثق و بسیار بزرگوار و دارای روایات و تصانیف فراوان است (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۳۳۳). و فرمایش شیخ طوسی که او را به علت روایت کردن از غالیان ضعیف دانسته (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ۴۰۲) مورد اعتنا نیست؛ زیرا اغلب دانشیان رجال و فقه، به جهت تخصص بیشتر نجاشی معتقدند در تعارض قول شیخ و نجاشی، نظر نجاشی مقدم است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ۷: ۴۶۷).

عاملی، ۱۴۱۹ق، ۲: ۱۱۰؛ ۶: ۳۰۹؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱۴: ۳۳۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ۳۱۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۶: ۱۲۱؛ بهبهانی، ۱۴۲۴ق، ۸: ۷۱؛ بحر العلوم، ۱۴۰۵ق، ۲: ۴۶؛ نوری، ۱۴۱۷ق، ۳: ۱۴۹-۱۴۸؛ قمی، ۱۴۳۰ق، ۲: ۵۱۳؛ خویی، ۱۳۷۳ش، ۹: ۶۴). بلکه برخی معتقدند نظر نجاشی بر همه اهل رجال مقدم است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۷: ۴۶۷؛ بهبهانی، ۱۴۱۷ق، ۷۰۲؛ بهبهانی، ۱۴۱۹ق، الرسائل الفقهیه، ۱۹۰؛ مامقانی، ۱۴۳۱ق، ۱۳: ۲۶۵). و در مورد اتهام غلو نیز همانطور که بسیاری از محققان علم رجال معتقدند، این اتهام ها ناشی از اعتقادات شخصی برچسب زنان است و چندان قابل اعتنا نیستند (نک به: مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱۴: ۲۷۸؛ نوری، ۱۴۱۷ق، ۵: ۳۲۰؛ بهبهانی، ۱۴۲۲ق، ۱: ۷۷؛ مامقانی، ۱۴۲۷ق، ۱: ۳۰۵-۳۰۰؛ شوشتری، ۱۴۳۱ق، ۱: ۶۷-۶۶). برخی تبیین های دیگر نیز در دفاع از وثاقت ایشان وجود دارد (نک به: خویی، ۱۳۷۳ش، ۱۸: ۱۲۲-۱۲۱).

د. یونس: نجاشی ستایش فراوانی در مورد ایشان نوشته (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۴۴۷-۴۴۶) و شیخ طوسی نیز او را موثق دانسته است (طوسی، ۱۳۷۳ش، ۳۴۶). طبق تحلیل مفردات رجال سند، این طریق به ظاهر دارای اشکال نیست؛ اما یکی از بخش های ترکیبی سند یعنی «نقل کردن محمد بن عیسی از یونس» که روایت مورد بحث ما نیز از همین دست است، دارای یک خدشه صریح است و آن اینکه طبق گزارش شیخ طوسی، صدوق از استادش ابن الولید نقل کرده است که متفردات یونس حجت نیست. (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۰۲) نجاشی که کتاب خود را بعد از فهرست شیخ و ناظر به آن تالیف کرده و بسا در صدد تصحیح و تکمیل آن بوده است (سبحانی، ۱۳۹۴ش، ۶۵)، سخن ابن الولید را به شکلی دقیق تر گزارش کرده است: متفردات محمد بن عیسی از کتب یونس حجت نیست (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۳۳). این خدشه دقیقاً بر روایت محل بحث وارد است؛ زیرا قطعه ای از سند روایت کشی نیز نقل محمد بن عیسی از یونس است.

۷-۲. نقد مضمونی روایت کشی (تحلیل استقرائی روش تحمل حرّیز)

مقصود از نقد مضمونی، جستجو برای یافتن مواردی بیش از دو مورد مورد ادعای یونس است که ثابت شود حرّیز بی واسطه از امام صادق (ع) روایت کرده است.

این تحقیق به استقراء و تجميع روایات بی واسطه حریز از امام صادق (ع) پرداخته و سپس متن تک تک آن ها را با هدف کشف روش حریز در تحمل حدیث بی واسطه از امام صادق (ع) تحلیل کرده است. نتیجه این است که در تعداد قابل توجهی از این روایات، تعبیهایی وجود دارد که ساختار روایت را غیر قابل ارسال می کند. توضیح این که حریز این تعداد روایت را به گونه هایی مانند: «كنت عند ابي عبدالله (ع)»، «كنا عند ابي عبدالله (ع)»، «قلت لابي عبدالله (ع)»، «سالت ابي عبدالله (ع)»: «سمعت ابا عبدالله (ع)» نقل کرده که به وضوح دلالت دارند روش حریز در تحمل این روایات، «سماع» از امام (ع) است؛ زیرا حریز شخصاً آن روایات را از امام (ع) پرسیده یا شنیده است یا در زمان فرمایش آن حدیث، نزد امام (ع) حضور داشته است. از طرف دیگر اگر راوی از این تعبیرها در نقل حدیث استفاده کند اما خود آن ها را از امام نشنیده باشد، بدون هیچ شکی تدلیس کرده است (حسین بن عبدالصمد، ۱۴۳۲ق، ۱: ۴۱۴).

روایات یادشده به شرح ذیل هستند:

أ. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَحْرِ عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) الْجُنُبُ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۲۲۰).

ب. عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا أَقَلَّ بَقَاءَكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَأَقْرَبَ آجَالَكُمْ بَعْضُهَا ... (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۸۸ - ۸۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۸۳).

ج. عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (ع) يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ فِي هَذَا الزَّيْبِ قَوْلًا عَنْكُمْ ... (ابن ابی شامه، ۱۴۱۱ق، ۱۳۷).

د. عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ إِنَّ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۴۶۵).

ه. عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ التَّهْمِ لِلْأَحْرَامِ (همان، ۱۲: ۳۲۲).

و. عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ مُحْرِمٍ أَصَابَ صَيْدًا (همان، ۱۲: ۴۲۱).

ز. عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْمُحْرِمِ يَشْمُ الرِّيحَانَ (همان، ۴۵۴).

ح. عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ مُحْرِمِ غَطَّى رَأْسَهُ نَاسِيًا قَالَ (همان، ۵۰۵).

ط. عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الطَّوَافِ لِغَيْرِ أَهْلِ مَكَّةَ ... (همان، ۱۳: ۳۱۱).

ی. عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُطَافُ ... (همان، ۳۸۹).

ک. عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ رَجُلٍ مُفْرِدٍ ... (همان، ۱۴: ۳۷).

ل. عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ حَرِيزٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ اتَّقُوا اللَّهَ وَ ... (همان، ۱۷: ۱۷۸).

م. عَنْ الْفَضْلِ بْنِ الْحَسَنِ الطَّبْرَسِيِّ فِي مَجْمَعِ الْبَيَانِ عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ طَلَاقِ السَّنَةِ فَقَالَ ... (همان، ۲۲: ۲۵).

ن. عَنْ يُونُسَ عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْمُحْصَنِ فَقَالَ (همان، ۲۸: ۶۹).

س. عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا عَمْدًا ... (همان، ۲۹: ۴۹).

ع. عَنْ يُونُسَ عَنْ حَرِيزٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ لَنْ تَذْهَبَ الدُّنْيَا حَتَّى (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۵۹).

ف. عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ ... (قمی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۱۹۳).

ص. عن علي بن داود الحداد، عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَدَخَلَ عَلَيْهِ حُمْرَانُ بْنُ أَعْيَنَ وَ جُوَيْرِيَةُ بْنُ أَسْمَاءَ، فَلَمَّا خَرَجَا قَالَ ... (کشی، ۱۳۶۳ش، ۱، ۴۱۵).

بنابراین یافته های استقرائی، گزارش کشی که در تقابل با ظاهر روایات بی واسطه حریز از امام صادق (ع) بود و به جهت نص بودن بر ظاهر اغلب

روایات بی واسطه حرّیز از امام صادق (ع) مقدم می‌شد، از نظر اصل اعتبار زیر سوال می‌رود و در نتیجه هر نوع نقل بی واسطه حرّیز از امام چه به صورت «قال ابو عبدالله (ع)» و یا به صورت «عن ابی عبدالله (ع)» که ظهور در فقدان واسطه دارد، بی معارض شده و لذا معتبر خواهد بود.

۷-۳. توجیه روایت کشی از یونس

در این بخش با روش استقرائی به بررسی روایات یونس از حرّیز می‌پردازیم و بدون دست کشیدن از انتقاد وارد شده بر کشی و نجاشی در بحث قبل، توضیحی درباره سخن یونس که کشی و به تبع او نجاشی از یونس نقل کردند ارائه می‌کنیم.

همانطور که کشی در ذیل احوال حرّیز گفته است: کان یونس یذکر عنه فقها کثیراً؛ یونس آموزه های فقهی زیادی را از حرّیز روایت کرده است (کشی، ۱۳۶۳ش، ۲: ۶۲۷). منتهی در بین روایات یونس از حرّیز، ایشان تنها سه روایت^۱ زیر را به شکل بی واسطه بین حرّیز و امام صادق (ع) از حرّیز نقل کرده است: أ. عَنْ یُونُسَ عَنْ حَرِیزٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْمُحْصَنِ قَالَ فَقَالَ: الَّذِي يَزْنِي وَعِنْدَهُ مَا يُغْنِيهِ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۸: ۶۹).

ب. عَنْ یُونُسَ عَنْ حَرِیزٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: لَنْ تَذْهَبَ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَحْكُمُ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَلَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيِّنَةً (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۵۹).

ج. عَنْ یُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ حَرِیزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَالَ: التَّقِيَّةُ تُرْسُ اللَّهِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۶: ۲۰۷).

وضعیت مذکور این حدس را تقویت می‌کند که یونس تنها دو یا سه^۲

روایت از حرّیز شنیده است که حرّیز آنها را بی واسطه از امام صادق (ع) نقل کرده است اما روشن است که استنتاج یونس از این تعداد روایت که: «پس

۱. پس از انجام این استقرا و در اواخر تحقیق، متوجه شدم مرحوم اردبیلی نیز به این نکته متفطن شده است که یونس خود سه روایت را از حرّیز نقل کرده است که حرّیز آنها را بی واسطه از امام صادق (ع) روایت کرده است؛ اما ایشان این مطلب را دلیل بر نادرستی سخن یونس انگاشته و تاویلی که این مقاله ارائه کرده است در کلام ایشان موجود نیست (رک: اردبیلی، ۱۴۰۳ق، جامع الرواة، ۱: ۱۸۶).

۲. ممکن است سه روایت با تعبیر روایت کشی (یک یا دو روایت) تنافی نداشته باشد؛ زیرا تعبیر وی نیز کلی و مبهم است.

حریز بیش از این تعداد، روایت بی واسطه دیگری از امام صادق (ع) نشنیده است» درست نیست.

۸. نتیجه گیری

رجالیان و فقیهان در مواجهه با گزارش کشی و نجاشی از یونس در ارسال روایات بی واسطه حریز از امام صادق (ع) سه دسته شده‌اند:

۱. برخی این گزارش را قبول کرده و این روایات را مرسل و در نتیجه نامعتبر انگاشته‌اند.

۲. برخی با استناد به کثرت وجود این روایات که «ظهور» در عدم ارسال و فقدان واسطه دارند، گزارش مذکور را رد کرده‌اند.

۳. مرحوم میرداماد ارسال را قبول کرده اما اعتبار روایات را توجیه کرده‌اند.

نظریه مختار در این پژوهش، همان عدم ارسال است امانه به دلیل بسامد بالای روایات یادشده که دارای اشکال منطقی است؛ بلکه به دو دلیل:

الف. قطعه ای از سند گزارش کشی یعنی «نقل محمد بن عیسی از کتب یونس» مخدوش است.

ب. طبق استقرای این مقاله در روش نقل حدیث حریز در روایات بی واسطه از امام صادق (ع) در جوامع روایی خصوصاً وسائل الشیعة، اثبات شده است حریز دست کم هجده روایت را شخصاً از امام (ع) متحمل شده است. بدین سان حصر موجود در روایت کشی و نجاشی بی اعتبار می شود.

با توجه به رد گزارش کشی و نجاشی از یونس در «نشیدن حریز از امام صادق (ع) جز یکی دو روایت»، فرضیه تحقیق یعنی عدم ارسال روایات بی واسطه حریز از امام صادق (ع) تایید می شود. در نتیجه پاسخ نهایی به سوال تحقیق نیز این است که: گزارش کشی و نجاشی از یونس که «حریز جز یک یا دو روایت از امام صادق (ع) نشنیده است»، درست نیست و از این رو روایات بی واسطه حریز از امام صادق (ع) بر ظهور خود در مسند بودن باقی مانده و در نتیجه مرسل نخواهند بود. البته این تحقیق در نهایت با تبیینی خاص احتمال داده است گزارش یونس نیز به یک معنا درست باشد بدون اینکه لازمه آن

یعنی ارسال همه روایات بی واسطه خریز معتبر باشد.

منابع

- ابنا بسطام، عبد الله و حسین، طبّ الأئمة عليهم السلام، قم، دار الشریف الرضی، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
- ابن ادريس، محمد بن احمد، السرائر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- ابن بلخی، فارسنامه ابن بلخی، شیراز، بنیاد فارس شناسی، ۱۳۷۴ش.
- ابن داوود، حسن بن علی بن داود، رجال ابن داود، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف اشرف، دار المرتضویة، ۱۳۵۶ش.
- ابن الصلاح، عثمان بن عبد الرحمن، معرفة أنواع علوم الحديث (المعروف بمقدمة ابن الصلاح)، تحقیق: نور الدین عتر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۶ق.
- ابن سینا، الشفاء (المنطق)، قم، مکتبه آیه الله المرعشی، ۱۴۰۴ق.
- اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
- اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
- استرآبادی، محمد بن علی، منهج المقال، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۲۲ق.
- انصاری، مرتضی، فرائد الأصول، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ق.
- بحرالعلوم، سید مهدی، الفوائد الرجالية، تهران، مکتبه الصادق، ۱۴۰۵ق.
- بحرانی، محمد سند، بحوث في مباني علم الرجال، در یک جلد، قم، مکتبه فک، چاپ دوم، ۱۴۲۹ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، الحقائق الناضرة، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
- بهبهانی، محمد باقر، منهج المقال (با تعلیقات بهبهانی)، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۲۲ق.
- _____، الحاشية على مدارك الأحكام، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۹ق.
- _____، الرسائل الفقهية، قم، مؤسسه علامه وحید بهبهانی، ۱۴۱۹ق.
- _____، حاشية مجمع الفائدة و البرهان، قم، مؤسسه العلامة المجدد الوحيد البهبهاني، ۱۴۱۷ق.
- _____، مصابيح الظلام، قم، مؤسسه العلامة المجدد الوحيد البهبهاني، ۱۴۲۴ق.
- بیات مختاری، مهدی، تضارب آرای شیخ طوسی و نجاشی درباره خریز بن عبدالله سجستانی، فصلنامه علمی - پژوهشی «علوم قرآن و حدیث»، ش ۸۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۸۱ - ۶۵.
- تستری، محمد تقی، النجعة في شرح اللمعة، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۴۰۶ق.
- تفرشی، سید مصطفی، نقد الرجال، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۸ق.
- حافظنیا، محمدرضا، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سمت، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۶ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، الفوائد الطوسية، قم، چاپخانه علمیه، ۱۴۰۳ق.
- _____، وسائل الشيعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- حسین بن عبد الصمد، وصول الاخبار (المطبوع ضمن رسائل في دراية الحديث)، قم، دارالحديث، ۱۴۳۲ق.
- حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال، نجف اشرف، مطبعة الحيدرية، چاپ دوم، ۱۳۸۱ق.
- _____، نهاية الوصول، قم، ۱۴۲۵ق.
- _____، إيضاح الاشتباه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۱ق.
- خراسانی، محمد کاظم، كفاية الأصول، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- خمینی، روح الله، تهذيب الأصول، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۳ق.
- _____، الاجتهاد و التقليد، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۶ق.
- خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، قم، مرکز نشر الثقافة، ۱۳۷۳ش.
- دلاور، علی، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، رشد، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۲ش.
- رحمتی، محمد کاظم، دانشنامه جهان اسلام (مدخل: خریز بن عبد الله سجستانی)، ج ۱۳، ۱۳۹۳ش.

- سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم، مؤسسه امام الصادق (ع)، چاپ ششم، ۱۳۹۴ش.
- _____، موسوعة طبقات الفقهاء، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۸ق.
- سیزواری، محمد باقر، ذخیره المعاد، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۲۷ق.
- سخاوی، محمد بن عبد الرحمن، فتح المغیث بشرح الفیه الحديث للعراقي، تحقیق: علی حسین علی، مصر، مكتبة السنة، ۱۴۲۴ق.
- سنیکی، زکریا بن محمد، فتح الباقي بشرح ألفیه العراقي، تحقیق: عبد اللطیف همیم - ماهر الفحل، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
- سیفی مازندرانی، علی اکبر، مقیاس الروایة، قم، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۳۱ق.
- شعرانی، ابوالحسن، تعلیقه بر جامع الرواة، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
- شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۳۱ق.
- شهید اول، محمد بن مکی، ذکری الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۹ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، الرایة فی شرح البداية (المطبوع ضمن رسائل فی درایة الحديث)، قم، دارالحديث، ۱۴۳۲ق.
- _____، روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۲ق.
- _____، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ق.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین، الحاشیة علی من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۲۴ق.
- _____، الوحیة فی علم الدراية، قم، بصیرتی، ۱۳۹۰ق.
- صاحب معالم، شیخ حسن، منتقى الجمان، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
- صدر المتألهین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح أصول الکافی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳ش.
- صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- صنعانی، محمد بن اسماعیل، توضیح الأفكار لمعانی تنقیح الأنظار، تحقیق: أبو عبد الرحمن صلاح بن محمد بن عویضة، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
- طوسی، محمد بن حسن، العدة فی أصول الفقه، قم، ۱۴۱۷ق.
- _____، الفهرست، قم، مكتبة المحقق الطباطبائي، ۱۴۲۰ق.
- _____، تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- عاملی، محمد بن حسن، استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۹ق.
- عاملی، محمد بن علی، مدارك الأحکام، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۱ق.
- فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام أمير المؤمنين علی (ع)، ۱۴۰۶ق.
- قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، القوانين المحکمة فی الأصول، قم، ۱۴۳۰ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
- قمی، میرزا ابوالقاسم، قوانین الأصول، قم، احیاء الکتب الاسلامیة، ۱۴۳۰ق.
- کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی (با تعلیقات میرداماد)، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۳۶۳ش.
- کلیفورد ادموند، باسورث، تاریخ سیستان، تهران، سپهر، ۱۳۷۰ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- مازندرانی، محمد بن اسماعیل، منتهی المقال، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۶ق.
- مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۲۷ق.
- مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة، قم، دلیل ما، ۱۳۹۳ش.

- _____ تنقیح المقال في علم الرجال، قم، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۳۱ق.
مجلسی، محمدتقی، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، قم، مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشانبور، دوم، ۱۴۰۶ق.
مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، قم، كنزۀ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
میرداماد، محمدباقر، التعليقة على أصول الكافي، قم، الخيام، ۱۴۰۳ق.
_____ الرواشح السماوية في شرح الأحاديث الإمامية، قم، دار الخلافة، ۱۳۱۱ق.
نجاشي، احمد بن علي، رجال النجاشي، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش.
نجفی، محمد حسن، جواهر الكلام، بیروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
نراقی، میرزا ابو القاسم، شعب المقال، قم، كنزۀ بزرگداشت نراقی رحمه الله، چاپ دوم، ۱۴۲۲ق.
نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحديث، قم، مؤسسه نشر اسلامى، ۱۴۲۶ق.
نوری، محدث، میرزا حسین، خاتمة المستدرک، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۷ق.